

یادداشت

اعتبار قولنامه‌ها

حاشیه امن زمین‌خواران

رضا محمدی، کارشناس حقوقی

ادامه از صفحه ۵

بحث نبود اعتماد

مسائل آغاز می‌شود. نمونه‌اش کارت سوخت که ما شاهد تشست آرا بودیم. یک روز می‌گویند کارت سوخت صادر شود، یک روز می‌گویند نمی‌شود، یک روز کارت بانکی است، یک روز آن را لغو می‌کنند، این نوعی سرگردانی برای مردم است. سردرگمی‌ای که شما می‌گویید، درست است؛ ولی برای ما یک نشانه است. نشانه رقابت دو نیروی تقریباً هم‌قدرت در جاهایی یکی از آنها پیروز می‌شود و در جای دیگری پیروز نمی‌شود. این‌گونه نیست که در نهایت منجر به حذف نیروی نوگرا شده باشد. نوگراها به اندازه خودشان قدرت دارند که بتوانند در جاهایی نیروی مقابل را به زمین بکشند و با او بازی کنند. البته جاهایی هم مجبور به دادن امتیاز است و کل می‌خورد و می‌بازد. اگر قرار بود سیستم غیرنوگرایی باشد، تشتت هم نبود و همان روز اول تصمیم گرفته می‌شود که می‌خواهد کارت سوخت باشد؛ بنابراین تشست نشانه بازی و جنگیدن دو نیرو با همدیگر است.
بله در نهایت در مسئله کارت سوخت ما بازنده‌ایم چون مسئول آن نیستیم.

آ **این جزء الزامات رشد جهانی نیست که این سیستم پذیرفته شود و ما به‌لهای صدور را در شاخص‌های دولت الکترونیک طی کنیم؟**
بله. ولی مانند همان است که ما ۱۰۶ بودیم، ۱۸۶ شدیم، ۲۰ تا بالا آمدیم، این ۲۰ تا را ببینیم و بدانیم ۸۶ هستیم و خیلی راه مانده تا به رتبه‌های بالا برسیم.

آ **بحث‌هایی مانند جویشگر بومی و اندرویدی ملی، اینها هم جزء دستاوردهای دولتی بود که به نظر می‌رسد برای آن هزینه‌هایی شد و سراجایی برایش نبود؟**

اینها را از هم تفکیک کنید، من به‌شدت موافقم

تک‌به‌تک آنها را بررسی کنیم؛ برای موضوعی مانند

جویشگر بومی، هزینه داده شده و همچنان هزینه‌ای بر

کشور تحمیل می‌شود.

آ **آیا واقعاً قرار است در بعضی از فناوری‌ها چرخ را از اول اختراع بکنیم؟**

مشخص است که نه.

آ **جویشگر بومی جزء آن قضایا نیست؟**

حتما هست. با آن مدل تجاری که قرار بود جایگزین گوگل شود. سؤال این است که می‌تواند جایگزین گوگل شود؟ قطعا نه. چون بخشی از الگوریتم گوگل تابع تعداد کاربرد است. وقتی کل جمعیت فارسی‌زبان عددی کمتر از کل جمعیتی است که با گوگل کار می‌کنند، بنابراین نمی‌تواند با آن رقابت کند. اگر در چین وجود دارد، به‌دلیل جمعیت بالای چین است. اگر یاندکس در روسیه وجود دارد، به‌دلیل جمعیت روس‌زبان آن است.

آ **چرا چنین هزینه‌ای می‌شود؟**

ایین را نباید از آن ببرسید. اینکه چرا قبل‌ا این کار را کرده‌اند، من مانند یک تحلیلگر به شما پاسخ می‌دهم. تحلیل من این است که ناشی از یک اتکاهی سیاست‌گذاری و شعارزدگی است که در سیستم ما تصمیم‌گیری می‌کند. حال آیا در حیطه جویشگر بومی راه‌حلی وجود دارد که درگیر چنین مشکلی نباشیم؟
بله، شما موتورهای جست‌وجوگر تخصصی دارید که در استراتژی به آن Niche market گفته می‌شود. آیا نمی‌شود مشابه جویشگرهای تخصصی در ایران داشت؟ آیا ضروری نیست؟
آیا گوگل می‌تواند این کار را انجام دهد؟ جوابش مشخص است.
بله ضروری است و گوگل هم نمی‌تواند این کار را انجام دهد، زیرا بازارش وجود ندارد. پس من می‌توانم انجام دهم، ولی این‌قدر مسئله سیاسی شده است. فقط کافی است غلط را پاک کنیم و راه‌حل درست را جایگزین کنیم؛ اما کسی به من اجازه نمی‌دهد راه‌حل غلط را پاک کنم.

آ **تاالان میلیاردها تومان هزینه شده، تازه به این نتیجه رسیده‌ایم که راه‌حل غلط بوده است؟**
من که آن زمان نبودم، این سؤال را نباید از من ببرسید.

آ **ز اینجا به بعد که هستید.**

از اینجا به بعد من اجازه ندادم آن میلیاردها تومان هزینه شود. شما هزینه‌ای بیابورد که من کرده باشم. من راه‌حل مشخصی دارم و روی آن کار می‌کنم و در آینده سراغ همان Niche market می‌روم. تجارت بر عهده بخش خصوصی است و دولت نباید دخالت کند. حداکثر دخالتی که دولت می‌تواند انجام دهد، تسهیلگری است. محل ورودش برای همه باز است، هرکسی خواست می‌تواند کار کند. نمی‌توان گفت این حق ورود دارد و آن حق ورود ندارد. درباره سیستم عامل نیز همین‌طور است. غرب به‌دنبال سیستم‌عامل بومی رفت و هزینه هم کرد. ما نگفتمیم سیستم‌عامل بومی می‌خواهیم.

آ **وزیر گفتند اندروید ملی، پس‌وند ملی می‌گذارید یعنی…**

اگر می‌گویید ملی یعنی این برساتخِ اجتماعی شماسست. باید کل متن را خواند و دید که چیست. اندروید یک سیستم‌عامل اوپن‌سورس است، همه دنیا هم از آن استفاده می‌کنند. ما این سیستم‌عامل شخصی‌سازی می‌کنیم. وقتی صحبت از شبکه ملی می‌شود یعنی میزان استقلال را حداکثر کنیم. من برای اندروید هزینه و خلاف روند جهانی رفتار نکردم. همه روی سیستم‌های اوپن‌سورس شخصی‌سازی کردند. زمانی که مشخص شد از گوشی خانم مرکل در آلمان جاسوسی می‌شود، آیا رفتند گوشی اختراع کردند؟ نه، مهم است که شما گوشی داشته باشید که مطمئن شوید backdoor نداشته باشد؛ یعنی کاری که آلمانی‌ها انجام دادند. کجای این کار مشکل دارد؟
آیا پول هزینه شده است؟ شما اسنادی دارید که من پول هزینه کرده باشم؟ چند گروه دانشگاهی روی این مسئله در حال کارکردن هستند.

آ **شأنه بحث لینوکس فارسی را به وجود می‌آورد**

اقتصاد



شاید منافع‌ی در کار است

کسی که فعالیت می‌کند مسئولیتش بر عهده خودش است نه بر عهده رئیس اپلیکیشن. این را بپذیریم، بعد

من آن را توسعه می‌دهم.

آ **وقتی کاربر یا سرمایه اجتماعی نپذیرد، توسعه‌دادن و هزینه‌کردن برای آن چه فایده‌ای دارد؟**

مانند بقیه چیزها. برای مثال مانند نقشه؛ زمانی مردم می‌گفتند می‌خواهند اطلاعات ما را بدزدند، خوشبختانه پای آن ایستادیم و همه جا مصاحبه کردیم و گفتیم لازم نیست ویز را تعطیل کنید. مردم خودشان از نقشه استفاده می‌کنند. در اقتصاد فرض این است که بازیگر اقتصادی عقلانی رفتار کند. اگر شما این را نپذیرید هیچ چیزی از دنیای سیاست‌گذاری اجتماعی و اقتصادی را نپذیرفته‌اید.

آ **این میزان استفاده از ویز آن قدر هست که بلد و نشان نتواند با آن رقابت کند.**

نه نیست. آمار دقیق دارم که حدود ۵۰۰-۵۰ است.

حتی ممکن است به نفع داخل باشد. من زیاد سوار

اسنپ و تپسی می‌شوم و سؤال همیشه‌ام که از راننده

این است که از چه مسیریابی استفاده می‌کند. جالب

است؛ یک بار راننده‌ای گفت من از مسیریاب نشان

استفاده می‌کنم ولی چند روز پیش آن را به‌روز کردم

و دیگر نمی‌توانم آن را به نرم‌افزار اسنپ متصل کنم.

من حین رانندگی برنامه را وصل کردم و پیامی هم برای

آقای علاقه‌مند فرستادم که رانندگان اسنپ نمی‌توانند

استفاده کنند. یکی هم برای مسئول نشان فرستادم که

خوب است برنامه آموزشی برای رانندگان خود بگذارید.

می‌توانم انجام دهم این است که کارنامه‌ای که باقی

می‌گذارم، آیندگان درباره آن نظر دهند.

آ **شما می‌گویید یا توانسان را نادارید یا زورتان**

گذاشته است…

بله و اینکه سرمایه اجتماعی پایین است. واقعیت

این است که سرمایه اجتماعی دولت‌ها در این سال‌ها

افزایش نیافته و روزبه‌روز بی‌اعتمادی بیشتر شده است.

شما وقتی مدیر دولتی را مشاهده می‌کنید، روزبه‌روز

فرض شما بر این است که او فاسد و کارنابل بوده و

شایستگی این صندلی را ندارد. او حتما به جایی وصل

است. اینها پیش‌فرض‌های شماسست. من نمی‌توانم

پا پیش‌فرض‌های شما بچکنم. در نهایت کار را انجام

می‌توانم انجام دهم این است که کارنامه‌ای که باقی

می‌گذارم، آیندگان درباره آن نظر دهند.

آ **شما می‌گویید یا توانسان را نادارید یا زورتان**

نمی‌رسد. در این صورت عملکردی هم نخواهید

داشت که در کارنامه خود برای آینده ثبت کنید.

به‌همین‌دلیل اعلام می‌کنم؛ کارنامه وجود دارد، رفتار

من هم وجود دارد، می‌توانم جزیه‌چز آمار دهم. مانند

تراکنش. ببینید حجم تراکنش بین دولت تا دولت چقدر

شده است، رشد نقطه‌به‌نقطه ۵۰ درصد کم است.

آمار و شاخص‌های جهانی وجود دارد. همچنین تعداد

اپلیکیشن‌هایی که در دو سال اخیر از ۶۰ هزار به ۲۴۰

هزار عدد رسیده هم وجود دارد.

آ **آمار کمی خوب است، ولی کیفی چطور؟**

تعداد کاربر و تعداد دفععات نصب هم وجود دارد.

چیز عجیبی نیست. این آمار را روی گوشی‌هایی که

اندرویدی است مقایسه کنید. ۱۰ درصد افراد ios هستند.

آ **۲۰۰ هزار اپلیکیشن در سال طرحی کردند، چه**

میزان کاربردی شده است؟

میزان نصب دارد.

آ **شما میزان نصب را دارید؟**

بله. ما داشبورده داریم و میزان نصب‌ها مشخص

است. کافه‌بازار تجاری است که وجود دارد. میزان

سفارشی که شما از اسنپ می‌گیرید.

آ **شما دارید از یک اپلیکیشن کاربردی خدماتی**

صحت می‌کنید!

۱۰ اپلیکیشن برتر را بگوییم؛ اسنپ، تپسی، دیجی‌کالا،

آپارات، فیلیمو، حتی نرم‌افزاری مانند باد صبا که برای

مردم اذان می‌گوید که ۱۰ میلیون بار نصب شده است.

در حوزه اپلیکیشن‌های اجتماعی چطور؟

یکی را شما مثال می‌زنید آن هم به‌خاطر اینکه

اختیارش را به من ندادند.

آ **ولی آنها مدعی هستند که تمام اختیارات دست**

شماست…

انتظارات من مشخص است و می‌توانید بنویسید:

اگر کسی در یک پلتفرم خلاقی انجام داد، رئیس پلتفرم

مسئول نیست. وقتی شما اصل کار را نمی‌پذیرید، چه

کسی حاضر به سرمایه‌گذاری می‌شود؟ اینکه من چیزی را

درست کنم و بعد بگویم هرچایی حرفی زده شد شما باید

پاسخ بدهید، معقول است؟ چه چیزی را درست من دادید؟

مانند این است که بگویید هر کسی وارد این ساختمان

شد، او را با تیر می‌کشم ولی اختیارات داخل ساختمان با

شماست، شما مسلماً کسی وارد ساختمان نمی‌شود.

آ **پس به این ترتیب ورودکردن به بعضی از**

اپلیکیشن‌ها مانند سرورش، گپ و آی‌گپ منطقی

نیست. اینکه برای آنها هزینه کنیم، پنهانی باند بهیم

و در آخر…

اصلاح پنهانی‌بانددادن از آن اصطلاحات غیرفنی

است. پنهانی‌بانددادن یعنی چه؟ خیابانی درست

کردید و ماشین‌ها در آن حرکت می‌کنند. آقای فتاحی

زیبا تئویت کردند که یک خیابان هفت‌بانه درست

کردید، اما کل پیام‌رسان‌ها از یک باند استفاده می‌کنند.

این به آن معنا نیست که من به آنها یک باند داده‌ام.

من کل هفت باند را داده‌ام ولی کسی وارد باند‌های

دیگر نمی‌شود. در زمانی که ما مسئله حقوقی را حل

نکنید، نمی‌توانید انتظار داشته باشید. مشخص است

است و دولت حق لایحه‌دادن ندارد. من مرام‌نامه را

می‌فرستم. باید پیش‌شرط فعالیت را بپذیریم. شرط

دوم این است که اجازه رقابت آزاد بدهیم. هرکسی را

که وارد شد، نستجیم. رقابت آزادی که همه می‌توانند

وارد بازی شوند و هر کسی که برنده شد بالا بیاید. نه

اینکه من دولت گزینش کنم. چه کسی به شما اجازه

داده است؟ این عین مداخله در بازار است. اگر شورای

فضای مجازی برای من می‌نویسد، باید اجرا کنم. چون

قانون بالادستی است. ولی منکر این نیستم که اعتراض

نکنم. اعتراض می‌کنم. رقابت باید آزاد باشد. این را باید

به عنوان شرط دوم بپذیریم.

سومین شرط این است خدمات دولت الکترونیک

فقط مربوط به قوه مجریه نیست و اجازه بدهیم خدمات

دولت روی پیام‌رسان‌ها ارائه شود. من با دولت کلی

مشکل دارم و باید صحبت کنم که مثلاً بیمه خدمات

درمانی یا تأمین اجتماعی روی پیام‌رسان ارائه شود.

این یک طرف و طرف دیگر قوه قضائیه است. اینکه

خدمات ثبت روی پیام‌رسان ارائه شود یا خدمات دریافت

سوپریشینه روی پیام‌رسان ارائه شود. واقعیت این است

که ذهن من نه نیاه است و نه سفید. رقابتی است بین

نیروهای نوگرا یا غیرنوگرا. اگر من اکنون نتوانم، پنج سال

دیگر فردی دیگری انجام می‌دهد.

آ **پس باید منظر یک تغییر نسل باشیم؟**

حتما تغییر نسل کمک می‌کند. من ادم امبدواری

هستم. واقعیت این است که این‌قدر که سياه نشان داده

می‌شود، سیاه نیست. وقتی مسئول کشور بلد نیست وارد

شبکه اجتماعی شود و با آدم صحبت کند و نمی‌تواند در

جمع باشد، به این دلیل است که سال‌های سال درکش

از جامعه فاصله گرفته است. این بدان معنا نیست

که فکر کنیم آدم با فاسدی است یا بدخواه است،

نه این‌طور نیست. آدم‌ها با هم رقابت می‌کنند. ممکن

است پنج سال دیگر مشخص شود حرف‌هایی که من

زده‌ام اشتباه است. مهم این است که بپذیریم همه

حقیقت دست ما نیست و تلاش خودمان را بکنیم.

آ **وقتی می‌گویید قرار است فیلترینگ سخت‌تر**

می‌شود، به دولت هزینه اضافه می‌شود چون

فیلترینگ به‌لحاظ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری یک

هزینه‌ای نمی‌دارد که باید روی شبکه وجود شود.

این‌طور نیست. بارها گفته شده، اما خیلی‌ها دوست

ندارند قبول کنند. نظام فیلترینگی ما چگونه است؟

مراجع مختلفی دستور فیلترینگ را می‌دهند که تقریباً

همه آنها خارج از وزارت ارتباطات است. در بهترین حال

وزارت ارتباطات یک صندلی دارد.

آ **درباره حوزه سیاست‌گذاری این را نمی‌گویم.**

در حوزه اجرا به صورت متمرکز فیلتر نمی‌کنیم.

مسئول فیلترینگ کیست؟ افسی‌بی. اپراتوری که

اینترنت ارائه می‌ده. روی گتوی دو تا حکم وجود دارد

که اصلاً هزینه‌ای ایجاد نمی‌کند. از قدیم هم بوده است.

ما چیزی را روی گتوی نمی‌نندیم. ماجرا این است که

فیلترینگ به اپراتور ابلاغ می‌شود که شما حق ندارید.

این را ارائه دهید. دست ریزساخت نیست. ولی به دلیلی

که مردم اعتماد ندارند، قبول نمی‌کنند. موضوع دیگر

هم باز مسئله رقابت سیاسی است. رقیب دوست دارد

هزینه فیلترینگ را روی دوش وزارت ارتباطات بگذارد.

بنابراین حرف غیر واقع را نشر می‌دهد. قانون وجود دارد

و مشخص است.

آ **می‌گویید پروژه فیلترینگ هوشمند اینستاگرام یک**

پروژه شکست‌خورده بوده است، شما این را قبول

دارید؟

زمانی از نظر فناوری می‌شد این‌کار را به تفکیک

انجام داد. امروز اگر بخواهیم فیلترینگ هوشمند انجام

دهیم باید به محتوا دسترسی پیدا کرد و این مسئله

متضمن نقض حريم خصوصی است؛ این مثال

پیامک‌های تبلیغاتی و مزاحم. دو راه‌حل برای شناسایی

وجود دارد؛ یکی الگوریتم ارتباط است، یعنی به محتوا

ورود نکنیم. دوم، ورود به محتواست. اگر اجازه ورود به

محتوا داده شد یعنی حريم خصوصی نقض می‌شود.

پس شما چیزی را قربانی چیز دیگری می‌کنید. برای

مردم راضی‌تایی‌هایی درخصوص پیامک‌های مزاحم

وجود دارد و از طرف دیگر قرار نیست حريم خصوصی

افراد نقض شود. اگر چنین اجازه‌ای به اپراتور داده

شود دیگر نمی‌توان مطمئن شد فردی که مسئول

این کار است چه کارهایی می‌کند و چه نمی‌کند. اگر

روزی به او گفته شود پیامکی را بخوان وضع خراب

می‌شود. پس من چیزی را قربانی چیز دیگری می‌کنم.

سال‌ها قبل منتی توتی بودم تحت عنوان سیاست‌گذار

در حال انتخاب است و یکی را قربانی دیگری می‌کند.

در فیلترینگ هوشمند هم به همین صورت است. غیر از

مسائل فنی آیا می‌خواهید کل حريم خصوصی را قربانی

کنید؟ من قائل به این نبوده و کارهای می‌نستیم. ولی

شخصاً از نظر تئوریک قائل نیستم که حريم خصوصی

افراد نقض شود. آیا راه‌حل دیگری وجود دارد؟
بله

راه‌حل‌های دیگری وجود دارد به شرطی که اصول

اولیه را بپذیریم. از یک طرف بگوییم ما اصول شبکه‌های

اجتماعی را نمی‌پذیریم که پیام‌رسان بود، رئیس پیام‌رسان

بازخواست شود یا پیام‌رسان را فیلتر نکنیم و به او

فرصت دهیم که آن را بردارد. الان قرارداد فیس‌بوک

با اینستاگرام با اروپا به این صورت است که محدوده‌ای

برای آن تعیین شده و خود آنها باید پایش داشته باشند و

اگر موضوعی اعلام شد باید در مدت مشخصی برداشته

شود. اگر مردم موضوعی را به عنوان تبعیض مطرح

کردند باید در مدت مشخصی برداشته شود.

و در مورد تلگرام هم می‌شود؟

من نباید جواب بدهم. اگر بخواهم پاسخ بدهم پس

به چه دلیل کیس‌ها را برای شما می‌گویم؟ به این دلیل

که بگویم راه‌حل وجود دارد.

آ **البته تلگرام نمی‌تواند در ایران خدمات ارائه**

دهد. صرفاً یک اپلیکیشن شبکه اجتماعی است.

من نمی‌توانم تلگرام بدهم. چون لایه قضائی